

## فصل سوم:

### تغییرات مواضع در قبال آمریکا

#### □ مواضع متلوّن

در آذر و دی ماه ۱۳۵۸، مطبوعات و خبرگزاری‌ها از نامه «سناتور ادوارد کندی» به امام خمینی (ره) خبر دادند که در جهت تلاش برای آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران ارسال شده بود. مجاهدین خلق با تیتُر طنزآلود «کندی حامی اسلام می‌شود!!»، طی مقاله‌ای در نشریه رسمی خویش، وی را مورد حمله قرار دادند. سوتیتر مندرج در صدر این مقاله چنین بود: «در پشت پرده همه توطئه‌های علیه ایران، دست سرمایه‌داران و کارتل‌ها، تراکت‌ها، و کورپریشن‌های عظیم امپریالیستی نهفته است.»

در این مقاله، پس از اشاره به فرازهایی از نامه مزبور «ادوارد کندی» که ضمن آن نوشته بود: «ما صددرصد حامی جمهوری اسلامی هستیم. من خون خود را به خاطر شما خواهم داد. من هم مانند شما و به راه شما می‌اندیشم...»، ضمن نامگذاری حرکت کندی تحت عنوان «سیاست مزورانه»، آمده است: ... آیا تعجب آور و حتی مضحک نیست که یک سناتور امپریالیست خود را حامی جمهوری اسلامی قلمداد کند؟... زمانی «ماهیت» اقدامات انسان دوستانه آقای کندی روشن می‌شود که وقتی تیرش به سنگ خورد، به یکباره منکر حتی تقاضای ملاقات و نوشتن نامه به امام خمینی می‌گردد.<sup>۱</sup>

همین نشریه در اردیبهشت ماه ۱۳۷۲، از پیام «سناتور ادوارد کندی» به راهپیمایی و تظاهرات

---

۱. نشریه مجاهد، ش ۱۶: ص ۹.

شورای مقاومت رجوی خبر می‌دهد و از جمله می‌نویسد: سناتور کندی در پیام خود خطاب به جامعهٔ ایرانیان مقیم ماساچوست، با ستایش از تلاش‌های آنان برای تحوّل دموکراتیک در ایران، از اینکه در روز تظاهرات به علت کار نخواهد توانست «برای اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران» حاضر شود، اظهار تأسف نموده و در قسمتی از پیام خود می‌نویسد:

امروز رژیم ایران یکی از بزرگترین تهدیدها علیه صلح و امنیت خاورمیانه به شمار می‌رود. در ماه جاری وزارت خارجه [ی آمریکا] حکومت ایران را «خطرناک‌ترین دولت حامی تروریسم در جهان» توصیف کرد. این رژیم، مخالفان تبعیدی خود را مورد سوءقصد قرار می‌دهد و این چیزی است که در قتل تأسف‌انگیز کسانی همچون «کاظم رجوی» و «علی‌اکبر قربانی» دیده می‌شود...<sup>۱</sup>

### ○ تکذیب مواضع و عملکردهای ضدآمریکایی

سازمان و پوشش سیاسی آن، «شورای ملی مقاومت»، در جواب شتابزده و عجولانه‌ای که به گزارش وزارت خارجهٔ آمریکا داده است، ادّعا و اصرار دارد که این سازمان در دوران فعالیت خویش - بخصوص دوران ۲۸ ماههٔ فاز سیاسی از بهمن ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰ - نه‌تنها در جبههٔ ضدآمریکا قرار نداشته که حتی در تقابل با جریان‌های ضدآمریکایی بوده است!

از سال ۱۹۷۹، سیاست ایران به دو جریان اصلی تقسیم شد که اهداف و شعارهای آنها مغایر یکدیگر بود.

در یک طرف [امام] خمینی و متحدانش قرار داشتند که شامل «حزب توده» و طرفداران شوروی و «فداییان» (سازمان مارکسیستی طرفدار شوروی) می‌شد. به نظر آنها مسئلهٔ اصلی ایران، مبارزه با آمریکا بود و بزرگ‌ترین تهدید داخلی نیز لیبرالیسم محسوب می‌شد. این خط، در نهایت، منجر به تصرف سفارت آمریکا و حذف رقبای داخلی آخوندها، مثل «بازرگان» یعنی اولین نخست‌وزیر رژیم مزبور، شد.

در طرف دیگر، «مجاهدین»، «آیه‌الله طالقانی» (یک روحانی مهم ضد [امام] خمینی و هوادار مجاهدین) و متحدان آنها قرار گرفته بودند. این جناح اصرار داشت که مسئلهٔ اصلی در ایران، آزادی‌های سیاسی است...<sup>۲</sup>

۱. همان، ش ۲۹۶: ص ۴۱.

۲. بال شکسته: ص ۸۵. همین مضمون با تفصیل و بسط بیشتر در کتاب دموکراسی خیانت شده: صص ۱۲۳ - ۱۲۴

تلاش گروه رجوی در زدودن «اتهام ضدآمریکایی» از سازمان، به حدی منفعلانه و از موضع ضعف صورت گرفته است که بی شک همه کسانی را که در سال های پیش شاهد «سوپر رادیکالیسم» سازمان در برخورد با مقوله امپریالیسم بوده اند، به حیرت می اندازد.

در تیر ماه ۱۳۵۸ «برادران عسکری»، از هواداران فعال مجاهدین در استان فارس، به اتهام فعالیت به نفع امپریالیسم، به دستور حاکم شرع ... دستگیر و بعداً اعدام شدند. درست به دلیل همین پافشاری بر آزادی های سیاسی بود که رهبران «حزب توده» همواره مجاهدین را «پایگاه لیبرالیسم و امپریالیسم معرفی می کردند ... بی جهت نبود که توطئه شمار «حزب توده» اقدام های مجاهدین را در آن سال ها، یکی بعد از دیگری، توطئه آمریکایی معرفی می کرد. همه می دانند که زمانی هم که مجاهدین گروه گروه اعدام می شدند، اتهام آنها «عوامل آمریکا» بود و آنها را در پرچم آمریکا دفن می کردند.<sup>۱</sup>

در این مخاطبه سازمان کوشیده است با تشبث به جریان مرده ای مثل «حزب توده»، آن را به نحوی که خوشایند آمریکاییان باشد، خرج کند. به زعم رجوی و گروهش، وابستگی «حزب توده» به شوروی سابق در حافظه سیاسی دولتمردان آمریکایی نقش بسته است و - لابد - هر جریانی که (به هر علتی) با آن حزب در چالش بوده، می تواند در خط موافقت با آمریکا قلمداد شود.

با توجه به سوابق سازمان و با استناد به منابع مکتوب و رسمی آن، دو فرض را می توان در نظر گرفت: نخست آنکه مواضع مجاهدین خلق در سال های ۱۳۵۸ - ۵۹ همان بوده است که رسماً اعلام می شده؛ و آنچه اکنون در تلاش برای نفی آن، به طور شتابزده، عنوان می کنند، «واقعاً» و «جداً» وجود داشت؛ دوم اینکه اظهارات فعلی سازمان، «عین حقیقت» است و گروه مزبور هیچگاه «واقعاً» و «جداً» ضدآمریکایی نبوده است.

نتیجه ای که از صحت فرض نخست حاصل می شود، جز این نیست که سازمان، در روند رو به رشد جدایی از مردم و فرو رفتن در لاک فرقه ای، به دگردیسی دچار آمده و از یک «نیروی ضدامپریالیستی» به متکدی حمایت کاخ سفید و کنگره آمریکا بدل شده است. صحت فرض دوم، دلیلی دیگر بر مجموعه دلایل نفاق سازمان افزوده و روشن تر می سازد که مردم ما در اطلاق عنوان «منافق» به سازمان مجاهدین خلق، به خطا نرفته اند و این صفت، براننده چنین تشکیلاتی است.

آمده است.

۱. همان: صص ۸۵ - ۸۶.

مدارکی که پس از این خواهد آمد، ادعاهای فعلی گروه رجوی را نقض میکند. در تبیین جایگاه و علل مواضع مستندی که از سازمان نقل می‌شود، باید گفت که این جریان، در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، در جهت بهره‌برداری از خشم ملت نسبت به آمریکا و جذب نیروهای جوان انقلاب، خود را «ضد آمریکایی‌ترین» نیروی سیاسی جامعه قلمداد می‌نمود. سازمان، در تداوم این جهتگیری و به منظور بالا بردن مدّ رادیکالیسم و در نتیجه میدان‌دار شدن در عرصهٔ چالش‌های سیاسی، همواره به امام خمینی (ره) تأسی می‌جست و از آمریکا با عناوین «دشمن اصلی» و «شیطان بزرگ» نام می‌برد؛ تاکتیکی مقطعی و پراگماتیستی، و نه موضعی جدّی و راهبردی.

مواردی که نقل می‌شود (و تنها مشتی از خروار است) مربوط به سال‌های خیلی دور نیست و در حافظهٔ بسیاری از مردم ما نقش بسته است. نمونه‌هایی همچون تلگراف‌های متعدّد به امام خمینی (ره) و نیز اعلام حمایت «سیاسی - نظامی» از دانشجویان پیرو خط امام - که در گزارش وزارت خارجهٔ آمریکا نیز از آنها یاد شده - در اینجا نیامده است؛ و اغلب به مواردی همانند دستورالعمل‌های اجرایی داخلی (درون گروهی) سازمان به هواداران و اعضا استشهد شده که قاعداً هیچ‌گونه شایبهٔ «بازی» و «نمایش» در آنها نیست. مضمون همهٔ این اسناد، «مبارزهٔ اصلی ایران: مبارزه با آمریکا» و «بزرگ‌ترین تهدید داخلی: لیبرالیسم» است؛ یعنی همان مضامینی که گروه رجوی بعدها به طرف مقابل نسبت داده و سازمان را از آن بری دانسته است. برای نمونه:

۱) رهنمود سازمان به دانشگاهیان و دانشجویان؛ اصل ندانستن مبارزه با آمریکا انحراف است: هر نوع موضعگیری سیاسی - فقط و فقط - آن‌گاه بُعد واقع‌گرایانه خواهد داشت... که در آن به ماهیت مبارزهٔ ضدامپریالیستی... توجه شده باشد؛ و الاً بناگاه متوجه خواهیم شد که با اصل کردن مبارزه با ارتجاع... نه تنها خدمتی به انقلاب نکرده‌ایم، بلکه آن را از مسیر اصولی به انحراف کشانده‌ایم.<sup>۱</sup>

۲) رهنمود به دانش‌آموزان هوادار؛ آمریکا دشمن خونخوار تمامی خلق‌ها و مدافع دروغین حقوق بشر: ... اما رهنمودهای عملی:

۱- در شرایط فعلی که اصلی‌ترین مسئله و بالطبع اصلی‌ترین وظیفهٔ هر فرد یا نیروی انقلابی، مبارزهٔ ضدامپریالیستی - ضدآمریکایی است... با استفاده از تاکتیک‌های مختلف، تمامی انرژی

۱. نشریهٔ مجاهد، ش ۸: ص ۲.

- و توان خود را در جهت این نبرد ضدامپریالیستی قرار دهید...
- ۲- با توجه به لزوم حمایت هرچه بیشتر از برادران و خواهرانی که در داخل سفارت هستند<sup>۱</sup>... لازم است که هرچه بیشتر با راهپیمایی یا به طور انفرادی، در مقابل سفارت جمع شده و در حفظ جو انقلابی و مترقی آنجا بکوشید...
- ۳- برای هرچه بیشتر عینی تر شدن خودتان نسبت به جنایات آمریکا، این دشمن خونخوار تمامی خلق‌های تحت ستم جهان... به مطالعه کتاب‌هایی در این زمینه بپردازید. برای این منظور، کتاب‌هایی که... جنایات این به اصطلاح مدافعین حقوق بشر را در قرن بیستم نشان می‌دهد، بسیار مناسب است.
- ۴- مدرسه خود را تبدیل به کانون ضدامپریالیستی نمایید... با نوشتن نشریه‌های دیواری، با مضمون و محتوای ضدآمریکایی... خواندن سرودها و شعرهای ضدامپریالیستی - ضدآمریکایی در سرکلاس و...
- ۵- بر شماست که هرچه بیشتر در افشاگری توطئه‌های آمریکا بکوشید؛ و بایستی تلاش نمایید تا با تراکت‌ها، اعلامیه‌ها، پوسترها و پخش آنها در سطح شهر، نوشتن شعارهای ضدامپریالیستی (با محتوای افشاگرانه) در محلات مختلف شهر، به آتش این پیکار انقلابی دامن بزنید.
- ۶- در آگاه کردن مردم بکوشید. تلاش کنید با صبوری و متانت خاص خودتان، مردم پیرامون خود را هرچه بیشتر در این زمینه بسیج کنید. در این راه می‌توانید از خانواده - پدر، مادر، خواهران و برادرانتان - شروع کنید و آنها را در فعال شدن در این مبارزه یاری کنید.
- ۷- یک سخن با معلمین، دبیران، آموزگاران و مدیران انقلابی... علاوه بر روشنگری، افشاگری و... امکانات و تسهیلات لازم را در جهت شرکت و فعالیت هرچه بیشتر محصلین در مبارزه ضدآمریکایی نیز فراهم نمایید...<sup>۲</sup>
- (۳) رهنمود به ارتشی‌ها؛ «شوراهای آماده‌باش»:
- ... ما با تأکید بر اینکه، حسب فرمان امام خمینی، تمام دستگاه‌ها و سازمان‌های ما بایستی اساساً علیه دشمن اصلی (امپریالیزم آمریکا) سازمان یابند، پیشنهاد می‌کنیم که:
- ۱- کلیه پایگاه‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی و رادار، به ویژه پایگاه هوایی دزفول، از جهت رسوخ امپریالیست قویاً بررسی و علیه خود آنها به گونه‌ای انقلابی تجدید سازمان شوند.
- ۲- کلیه مدارک و اسناد ننگین جاسوسی و وابستگی در این مراکز، به هر قیمت حفظ و در

۱. منظور «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» است که در لائۀ جاسوسی مستقر بوده‌اند.

۲. نشریه مجاهد، ش ۱۱: صص ۲-۳.

معرض افکار تمام ملت ایران قرار گیرد.<sup>۱</sup>

۳- به منظور خنثی کردن هر توطئه امپریالیستی - آمریکایی، «شوراهای آماده‌باش» در کلیه پایگاه‌ها و پادگان‌های ارتش و مخصوصاً نیروی هوایی، زیر نظر پرسنل انقلابی... ایجاد گردد.<sup>۲</sup>

۴) چه باید کرد؟! درمان همه دردها:

... علاج همه دردهای بی‌درمان امروز، در ادامه دادن و هرچه عمیق‌تر کردن مبارزه ضد امپریالیستی - آمریکایی نهفته است.

پیام مجاهدین خلق به تمام مردم و نیروهای انقلابی و مردمی: پیش به سوی ریشه‌کن کردن نفوذ آمریکا، عمده‌ترین داروی کنونی دردها.<sup>۳</sup>

۵) سؤال مجاهدین خلق از شورای انقلاب، در خصوص تأخیر در قطع رابطه با آمریکا؛ در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۳ آبان ۵۸ - آمریکا؛ امپریالیست اصلاح‌ناپذیر:

... دلایل تأخیر در قطع رابطه با آمریکا و الغای قانونی و رسمی همه وابستگی‌ها و قراردادهای ننگین در چیست؟ تأخیری که چه‌بسا با اقدامات و توطئه‌چینی‌های مزدوران آمریکا منجر به

---

۱. در تأیید به «فرصت‌طلبی» و ماکیاولیسم پراگماتیستی سازمان، در اینجا به سندی آمریکایی در مورد سرهنگ معزی استناد می‌کنیم که تحت شماره ۱۹۹ در چاپ جدید اسناد لانه جاسوسی، درج شده است. در توضیح سند آمده است: «...این سند لوحه قدردانی است که از طرف مستشاری نظامی آمریکا در ایران و به مناسبت پنجاهمین سالگرد سلسله منفور پهلوی، به بهزاد معزی داده شده بود. معزی در یکی از مانورها... بهترین کیفیت کار را ارائه داده است. با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ملت ایران، به رهبری امام خمینی، معزی به عنوان خلبان مخصوص شاه جنایتکار، وظیفه‌شناسی خود را ثابت کرد و او را از چنگ این ملت شریف به دامان ارباب طغیانگرش فراری داد. معزی پس از انقلاب نیز با فراری دادن دو نفر دیگر... [بنی‌صدر و رجوی] وظیفه‌شناسی خود را به طور کامل به ثبوت رساند. به هر جهت این سند گویای سوابق مبارزاتی این مجاهد خلق است!»

تردیدی نیست که انتخاب معزی، به عنوان خلبان مورد اعتماد شاه، بدون شناسایی دقیق نبوده است و حتماً عوامل اطلاعاتی خارجی وی را کاملاً تأیید کرده‌اند. در سال‌های ۵۹ - ۱۳۵۸ سرهنگ معزی فرمانده پایگاه هفتم ترابری مستقر در شیراز بود که با همت پرسنل مسلمان پاکسازی شد. یک بار هم در سال ۵۹ توسط بنی‌صدر به کار بازگردانده شد ولی بر اثر فشار مردمی مجدداً اخراج شد. در زمان فرار بنی‌صدر و رجوی، بهزاد معزی در نیروی هوایی معلق بود ولی همچنان نفوذ و ارتباط داشت. وی در نمایش‌های «ارتش آزادی‌بخش» بارها به درد سازمان خورده است؛ ولی قراین حکایت از آن دارد که او نیز در حال «بریدن» است. برای تفصیل و آگاهی بیشتر - اسدی، واپسگرا.

۲. نشریه مجاهد، فوق‌العاده ش ۲ (۶ آذر ۵۸): صص ۱ - ۲. زمینه صفحه نخست این فوق‌العاده تصویری بزرگ از امام خمینی (ره) است و مناسبت آن «شکرگزاری مجاهدین خلق ایران به مناسبت فرمان بسیج سیاسی - نظامی امام خمینی» ذکر شده است.

۳. همان.

لوٹ شدن و منحرف شدن حرکت شکوهمند ضدامپریالیستی در انظارجهانیان گردد... آیا انتظار می‌رود که آمریکا توبه کرده و به صراط مستقیم بازگردد؟<sup>۱</sup>

۶) آیا رابطه با آمریکا می‌تواند بر اساس موّدت و دوستی یا عدم مداخله باشد؟ مجاهدین خلق در کار تئوریزه کردن قطع دائمی رابطه با آمریکا:

... آیا می‌توانیم به آمریکا بگوییم که اگر قول بدهی که توطئه نکنی، ما هم با تو روابط حسنه خواهیم داشت؟... این رابطه دو وجه بیشتر ندارد؛ یا اسارت‌آمیز است و یا قهرآمیز. به عبارت دیگر، اگر ما بر علیه امپریالیسم و سردمدارشان، امپریالیسم آمریکا، در یک پیکار گسترده و عمیق نباشیم، الزاماً و بدون شک، سرانجام در چنگال‌های خونین‌شان اسیر خواهیم بود. ... آمریکا در حقیقت نمی‌تواند توطئه نکند، و ما نمی‌توانیم از او بخواهیم که توطئه نکند؛ چراکه اساساً رابطه ما با امپریالیسم - به قول امام - رابطه ظالم و مظلوم است. ... آیا وقت آن نیست که شعار قطع کلیه روابط اقتصادی - سیاسی - نظامی با امپریالیسم آمریکا، این جهانخوار جنایتکار - و به قول امام، این شیطان بزرگ، این طاغوت زمان - را برای همیشه بدهیم؟!<sup>۲</sup>

۷) انتقاد شدید به دولت موقت و ابراز تأسف مجاهدین خلق از قطع نشدن رابطه با آمریکا و حمایت قاطع از «دانشجویان قهرمان پیرو خط امام»؛ مرگ بر امپریالیسم آمریکا:

سازمان مجاهدین خلق ایران تأسف عمیق خود را از اینکه تا این ساعت وابستگی‌ها و قراردادهای ننگین استعماری با امپریالیسم آمریکا ملغی نشده است، اعلام می‌دارد. ... خلق قهرمان ایران، از همان بدو قیام، انتظار داشت تا دولت موقت انقلاب که کاملاً مورد تأیید شخص امام بود، زنجیرهای خفت‌بار استعماری راقاطعانه بگسلاند؛ لکن متأسفانه آن‌قدر این مهم را به باد فراموشی سپردند که حتی آمریکا امکان یافت تا در قلب پایتخت ما جاسوسخانه‌اش را گسترش داده و بر علیه انقلاب ایران توطئه چینی کند...

تا آنکه، پس از ماه‌ها انتظار، دانشجویان قهرمان پیرو خط امام بار دیگر شور ضدامپریالیستی مردم را وسیعاً برانگیختند و طی آن مردم ما یکپارچه خروشیدند و الغای وابستگی‌های ننگین را خواستار شدند... اما افسوس که هنوز مقامات مسئول، این اراده مردمی را اجابت ننموده و حتی موضع صریح و روشنی نیز در قبال الغای قراردادهای و مصادره سرمایه‌ها اتخاذ ننموده‌اند؛ به حدّی که امپریالیسم آمریکا برای تحت فشار قرار دادن ما پیشقدم شده و یک روز واردات

۱. همان، ش ۱۱: ص ۷. مجموعه اعلامیه‌ها...، ج ۲: صص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۲. همان، ش ۱۱ و ۱۲: ص ۶ (در هر دو شماره).

نفتی‌اش را قطع می‌کند، و روز دیگر میلیاردها دلار پول مردم ستمزده ما را توقیف می‌نماید... مرگ بر امپریالیسم آمریکا. نابود باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی.<sup>۱</sup>

## □ نمونه تکذیب «افتخارات»

### ○ عرض توبه و عذر تقصیر

چه در گزارش‌های بلند و کوتاه وزارت خارجه آمریکا و چه در اظهارنظرها و موضعگیری‌های گاه و بیگاه برخی از شخصیت‌ها، نمایندگان کنگره، مطبوعات و دیگر مواردی که آمریکایی‌ها و غربی‌ها اظهار کرده‌اند، اقدام سازمان به ترور مستشاران آمریکا در ایران، جای مشخص و غیرقابل انکاری دارد. با این همه، در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳/۲۳ شهریور ۱۳۷۲ محمد سیدالمحدثین در نامه‌ای به دو تن از نمایندگان کنگره ایالات متحد آمریکا<sup>۲</sup> با صراحت اعلام داشت:

بایستی تأکید کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران به هیچ وجه مسئول قتل هیچ آمریکایی نیست؛ و این امر در مواقع متعددی توسط نمایندگان شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق تصریح شده است.<sup>۳</sup>

نامبرده سپس زمینه رفع این «اتهام» بدین‌گونه تمهید می‌کند که سازمان در دوران غیبت رجوی از صحنه مبارزه،<sup>۴</sup> «دچار یک کودتا شد که توسط برخی افراد انجام گرفت».

این افراد، از دستگیری و یا اعدام رهبران مجاهدین در سال‌های ۷۲ - ۱۳۷۱ [= ۵۱ - ۱۳۵۰ هـ. ش] بیشترین استفاده را برای نفوذ در صفوف سازمان کردند. این عناصر، که بعدها خود را مارکسیست اعلام کردند، ایدئولوژی اسلامی و دموکراتیک سازمان را کنار گذاشته آیه قرآن را از آرم سازمان حذف کردند... و برای مدت چند سال از اسم مجاهدین [خلق] سوءاستفاده نمودند. کشتن اتباع آمریکایی در زمانی صورت گرفت که مجاهدین خلق در واقع هیچ‌گونه

۱. همان، ش ۱۲: ص ۶. مجموعه اعلامیه‌ها... - پیشین: صص ۱۳۴ - ۱۳۵.

۲. «رونالد ردافرو» و «دن برتون». نامه مزبور چنین آغاز می‌شود: «آقایان: با عنایت به توجهات شناخته شده شما به مسائل حقوق بشر و دموکراسی در ایران، فکر می‌کنم به خوبی آگاه هستید که افراد خاصی در میز ایران و خلیج فارس، در وزارت امور خارجه، متأسفانه به سؤالات اعضای کنگره طی نامه‌ها و بیاناتی، پاسخی حاوی یک سری اتهامات بی‌اساس بر علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق ایران ارائه نموده‌اند...»، بال شکسته: ص ۶۷.

۳. همان: ص ۸۷.

۴. منظور سال‌های زندان رجوی (۵۷ - ۱۳۵۰) است. م

حضور سازمان یافته خارج از زندان نداشت؛ و در عوض، یک گروه مارکسیستی از عنوان مجاهدین [خلق] سوء استفاده می کرد.

آقای رجوی، از درون زندان - از همان آغاز، سوء استفاده از عنوان مجاهدین [خلق] را توسط این عناصر محکوم کرد و بین سازمان مجاهدین [خلق] و این گروه خاص، قایل به تفکیک کامل شده و برایدئولوژی اسلامی مجاهدین [خلق] تأکید می کرد.<sup>۱</sup>

در مرحله بعد، پوشش سیاسی سازمان مجاهدین خلق (شورای ملی مقاومت) کتابی با عنوان دموکراسی خیانت شده<sup>۲</sup> در دفاع از خود در برابر «اتهام»های وزارت خارجه آمریکا تألیف کرد. در کتاب مذکور نیز همین تلاش، منتها مبسوط تر و - به تصور سازمان - مستدل تر، صورت گرفته بود تا این «اتهام» از دامان سازمان پاک شود! در این کتاب، تنها به متن اعلامیه های ترور مستشاران در بهار ۵۴ و تابستان ۵۵ است.<sup>۳</sup> یعنی ترورهایی که توسط باند مرکزیت تقی شهرام و بهرام آرام صورت گرفته، استناد شده و بنابراین به ترور «ژنرال پرایس» و «سرهنگ هاوکینز» اشاره ای نشده است. در این «ردیه» یا جوابیه، مواردی هم در خصوص وحید افراخته مورد یادآوری قرار گرفته که صحیح و غلط آن - به عمد - در هم آمیخته شده اند!<sup>۴</sup> لابد فکر می کرده اند که حوصله آمریکاییان کمتر از آن است که بروند تحقیق کنند

---

۱. همان: صص ۸۷ - ۸۸.

۲. نسخه فارسی کتاب در ۲۸۸ صفحه و نسخه انگلیسی آن در ۳۸۴ صفحه، به چاپ رسید؛ عنوان نسخه انگلیسی کتاب این است: DEMOCRACY BETRAYED. تاریخ نسخه فارسی اردیبهشت ۱۳۷۴ و تاریخ نسخه انگلیسی ۱۹۹۵ میلادی درج شده است. عنوان ناشر نیز چنین است: «کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت ایران».

۳. دموکراسی خیانت شده: صص ۳۴ - ۴۰.

۴. برای نمونه: به اسم «رحمان وحید افراخته» - که به همین شکل در گزارش آمده - اشاره کرده و چنین نوشته اند: «فردی به نام «رحمان وحید افراخته» وجود خارجی ندارد. در واقع این اسم اختراع شده، اسامی دو برابر است؛ یکی «وحید افراخته» و دیگری «رحمان افراخته» که هیچ وقت درگیر فعالیت های سیاسی جدی نبوده است». همان: ص ۳۳.

جالب است! نویسندۀ «ردیه» علاوه بر دروغ پردازی، به جعل در «انساب و رجال» هم دست زده است! در مجموعه پرونده های ساواک و روزنامه های رژیم شاه، اسم افراخته بدین گونه ثبت شده است: «رحمان (وحید) افراخته» یا «رحمان (مشهور به وحید) افراخته»؛ و نام برادران وی نیز «حمید» و «مجید» و «فرید» ثبت شده است. در واقع «رحمان» اسم شناسنامه ای «وحید» بوده است! خلاصه ها: افراخته، رحمان (وحید). مطبوعات و کتاب های متعدد نیز همواره به همین شکل از افراخته یاد کرده اند.

در جای دیگری از متن مزبور، سازمان وحید را قاتل محمد یقینی نیز معرفی کرده می نویسد: «وی در ترور چند تن از مجاهدین از جمله مجید شریف واقفی و محمد یقینی در سال ۵۴ دست داشت. وی در بهار ۵۴ توسط ساواک

و حقیقت مسئله را به دست آورند.

این درست است که بخشی از ترورها در دوران حاکمیت مارکسیست‌شدگان، به رهبری تقی شهرام، سامان داده شد. لیکن آنچه رخ داد، در ادامه روندی بود که توسط مرکزیت اسبق، به رهبری رضا رضایی، پایه‌ریزی شده بود. از قضا جریان مارکسیست سازمان، در فرایند ثنویت‌زدایی و رهایی از دوالیسم فکری و التقاط حاکم بر ایدئولوژی و آثار اولیه سازمان، سرانجام عملیات‌هایی از این دست را رها کرد؛ تا آنجا که - به کلی - مشی مسلحانه را نفی نمود و به کناری نهاد.

نکته حایز اهمیت این است که سازمان، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا آخر خرداد ماه ۱۳۶۰، در دوران حضور علنی خود در صحنه سیاسی ایران، ترورهای مزبور را به کرات و با تأکید فراوان به خود نسبت می‌داد؛ و تمسک به این «افتخارات» را وسیله‌ای مؤثر برای جذب نیروهای هوادار تشخیص داده بود. در اینجا، از میان موارد فراوان، - به اجمال - چند مورد را برای نمونه نقل می‌کنیم:

۱- «استقبال مجاهدین از نیکسون جنایتکار با بمب و سلاح: عملیات مجاهدین خلق در خرداد ۵۱»؛ همراه با نقل بخش‌هایی از اطلاعیه نظامی شماره ۳:

... و این مجاهدین خلق بودند که ژنرال‌های آمریکایی را مورد حمله مسلحانه قرار داده و لانه‌های جاسوسی آنها (از جمله اداره اطلاعات آمریکا) را منفجر می‌کردند...

پند اول اطلاعیه نظامی شماره ۳- خرداد ماه ۱۳۵۱: صبحگاه امروز در ساعت ۷/۵ اتومبیل مستشاری شماره ۲ حامل ژنرال هوایی هارولد پرایس سرمستشار هوایی آمریکا در ایران و همراهانش در خیابان قطریه، در حالی که به وسیله اتومبیل دیگری از مأمورین امنیتی آمریکا محافظت می‌شد، مورد حمله مجاهدین قرار گرفت و به کلی منهدم شد. اتومبیل بعد از انهدام کامل آتش گرفت و شعله‌های آن تا مدتی از آن زبانه می‌کشید...<sup>۱</sup>

۲- در مورد افتخارات ضدامپریالیستی و سابقه کشتن آمریکایی‌ها توسط مجاهدین خلق: ... پنج فرزند مجاهد خلق نیز در روز چهارم خرداد [۱۳۵۱] مقارن با ورود نیکسون جنایتکار، بعد از قریب ۸ ماه شکنجه و آزار، به جوخه‌های آتش سپرده شدند. دشمن که با اعدام این مجاهدین قهرمان قصد مرعوب ساختن خلق را داشت، بلافاصله با انتقام خونین مجاهدین

---

دستگیر و در اواخر ۵۴ اعدام شد. «دموکراسی خیانت شده: همان صفحه. با اینکه سازمان اذعان دارد که وحید افراخته در بهار ۵۴ دستگیر شد، ولی قتل یقینی را که در نیمه دوم سال ۵۴ - یعنی در دوران زندانی بودن افراخته - رخ داده، به او نسبت می‌دهد!

۱. نشریه مجاهد، ش ۷۷: صص ۱-۲ و ۵.

مواجه شد: ژنرال پرایس آمریکایی، با انفجار بمب تگه‌تگه شد. این کمترین پاسخی بود که دشمن شنید.<sup>۱</sup>

۳- قسمتی از اظهارات محسن [= ابوالقاسم] رضایی (عضو فعلی مرکزیت سازمان در عراق)، در سالگرد شهادت برادرش احمد رضایی - خطاب به او:

... پس از تو، مبارزه قهرآمیز و مسلحانه بر علیه امپریالیسم و رژیم مزدور شاه اوج گرفت و لرزه بر اندام دشمنان خلق افکند. ژنرال‌های آمریکایی، جاسوسان امپریالیسم، لحظه‌ای از بیم مسلسل و بمب مجاهدین خلق آسوده خاطر نبودند.<sup>۲</sup>

۴- «سنت انقلابی اعدام ژنرال‌های آمریکایی»:

... مردم که از جریان مبارزه فرزندان مجاهدشان، سنت انقلابی اعدام ژنرال‌های آمریکایی و سگ‌های دست‌آموزشان را به خوبی آموخته‌اند ... در طول حرکت‌شان، مواضع ضدامپریالیستی را فراموش نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

۵- «در شرایط خفقان و دیکتاتوری، رگبار مسلسل چه کسانی سینه‌مزدوران و مستشاران آمریکا را می‌شکافت؟»:

... مواضع ضدامپریالیستی سازمان حداقل برای خود جنایتکاران آمریکایی جای هیچ شک و شبهه‌ای ندارد؛ زیرا آنها از اولین سال‌های عملیات مسلحانه سازمان (سال ۵۱ به بعد)<sup>۴</sup> با آتش مسلسل‌های مجاهدین خلق، که سینه‌مستشاران و مزدوران‌شان را می‌شکافت، روبه‌رو بوده‌اند.<sup>۵</sup>

۶- قسمتی از سخنرانی موسی خیابانی در دانشگاه تهران - ۲۰ دی ماه ۱۳۵۸:

... ما، در ورای مبارزه با رژیم شاه، به طور اساسی‌تر و اصولی‌تر، مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را دنبال می‌کردیم؛ و البته هر زمان که مقدور می‌شد، ضرباتی

۱. همان، فوق‌العاده، ش ۲ (۶ آذر ۵۸): ص ۴.

۲. همان، فوق‌العاده، ش ۴ (۱۱ بهمن ۵۸): ص ۲.

۳. همان، فوق‌العاده، ش ۵ (۲۱ بهمن ۵۸): ص ۴ - ۵.

۴. «سال ۵۱ به بعد» یعنی همان سال‌هایی که - به تأکید سیدالمحدثین در نامه‌اش و کتاب پس از آن - رجوی در زندان به سر می‌برده است. افتخار به عملیات آن سال‌ها را با آنچه گروه رجوی در نفی کارنامه همان سال‌ها مطرح می‌کند، مقایسه کنید.

۵. همان، ش ۱۸: ص ۷.

مستقیم بر پیکر این شیطان بزرگ وارد می نمودیم.<sup>۱</sup>

۷- نقل قسمتی از «اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۱۶»<sup>۲</sup>:

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران/ اعدام مستشار آمریکایی  
... صبحگاه روز شنبه ۱۳ خرداد به خاطر پیمانی که در دفاع از حقوق ستمدیدگان با شما بسته  
بودیم، یکی دیگر از مهره‌های سیاه امپریالیسم تجاوزگر و دزد آمریکا در ایران، سرهنگ لوئیس  
هاوکینز - معاون اداره مستشاری آمریکا در ایران - را اعدام کردیم...<sup>۳</sup>

#### □ رسوایی دلارهای تبلیغاتی سازمان<sup>۴</sup>

جریان یک افتضاح مالی، مربوط به کمک‌های مالی مجاهدین خلق به گروه خاصی از نمایندگان  
کنگره و کانون فعالیت‌های دموکراتیک مجلس سنا، در ۸ سپتامبر ۱۹۹۷ در یک نشریه چاپ آمریکا افشا  
گردید و واکنش‌هایی را برانگیخت. ماجرا از این قرار بود که طبق اطلاعات موجود در کمیسیون انتخاباتی  
فدرال، کمک‌های مالی مزبور که بیش از ۲۰۴ هزار دلار بود، طی یک دوره ۳ تا ۵ سال، از آوریل سال  
۱۹۹۳ تا نوامبر سال ۱۹۹۶، به چند نفر از نمایندگان کنگره پرداخت شده‌اند. این نمایندگان از حامیان  
سازمان بودند. طی دوره پرداخت کمک‌های مالی، دریافت‌کنندگان این کمک‌ها اظهار نظرهای رسمی  
حمایت‌آمیز فراوانی ابراز داشته و نامه‌هایی خطاب به همکاران و رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و سایر  
مقامات بلندپایه نوشته‌اند و از دولت ایالات متحده خواهان شناسایی و حمایت از مجاهدین خلق، و نیز  
تشکیلات سیاسی آن، شورای ملی مقاومت و شاخه نظامی آن مستقر در عراق (ارتش آزادیبخش ملی)  
شده‌اند.

ارشدترین دریافت‌کننده کمک‌های مالی سخاوتمندانه سازمان، نماینده دمکرات ایالت نیوجرسی،  
رابرت توریسلی بوده است که در انتخابات سال ۱۹۹۶ به مجلس سنا راه یافت. یکی از اولین کمک‌های

۱. همان، ش ۱۹: ص ۷.

۲. این قسمت از اطلاعیه مزبور را صرفاً به منظور نقض ادعای فعلی گروه رجوی آورده‌ایم که در «دفاعیات» خود در  
برابر کاخ سفید مکرر یادآور شده‌اند که ترور آمریکایی‌ها در ایران توسط مارکسیست‌ها صورت گرفته است؛ و  
نشانه‌اش را حذف عبارت «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران» دانسته‌اند!

۳. شاه: دشمن خلق...: ص ۴۶.

۴. نقل از عین گزارش ترجمه شده (انتشار یافته در خارج از کشور)، با اندکی تلخیص و تصرف.

مالی به فعالیت‌های تبلیغاتی توریسلی در کنگره، چکی به مبلغ ۱ هزار دلار بود که در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۹۳ توسط خانم رامش سپهراد، در اپرینگ فیلد ایالت ویرجینیا پرداخت شده است. به گفتهٔ ایرانیان تبعیدی و طرفداران سازمان، خانم سپهراد در تشکیلات زنان سازمان فعالیت می‌کند و در شمار زیادی از گروه‌هایی‌های آن شرکت داشته است. او در طی یک دورهٔ دوساله مجموعاً ۵ هزار دلار به فعالیت‌های تبلیغاتی مختلف دفتر شورای ملی مقاومت در واشنگتن، پرداخته است.

اسناد کمیسیون انتخاباتی فدرال نشان می‌دهد که توریسلی در موضع کاندیدای مجلس، مجموعاً ۴۹ هزار دلار از دفاتر، حامیان و طرفداران سازمان دریافت کرده است. وی همچنین، در حد فاصل زمانی اوت ۱۹۹۵ تا نوامبر ۱۹۹۶ نیز، مجموعاً ۸۲ فقره چک هزار دلاری و دو فقره چک ۵۰۰ دلاری دریافت داشته است. مجموع کمک‌های مالی سازمان به توریسلی به ۱۳۲ هزار دلار می‌رسد. همچنین چک‌هایی به مبلغ ۱۳ هزار دلار نیز از طرف **شه‌ریار کیامنش** به [کانون] فعالیت‌های دموکراتیک مجلس سنا، در حد فاصل ماه مه ۱۹۹۴ تا اکتبر ۱۹۹۶، ارسال شده بود. **کیامنش** یکی از فعالان رده بالای سازمان می‌باشد که سال‌های زیادی را همراه با سازمان در بغداد سپری کرده است. در ماه مه سال ۱۹۹۴، آقای **کیامنش**، کارفرمایی خود را در شرکت «فن‌آوری‌های برتر آمریکا» مستقر در الکساندریای ایالت ویرجینیا قید نمود. این اعتقاد وجود دارد که این شرکت وابسته به سازمان بوده و از آن - به طور گسترده - برای دادن کمک‌های مالی وی در سال ۱۹۹۶ تحت نام «جامعهٔ ایرانیان در آمریکا» در شهر فالز چرچ ایالت ویرجینیا به ثبت رسیده‌اند. این انجمن با گروه وابسته دیگری به مجاهدین خلق به نام «جامعه ایرانیان در ویرجینیا» ارتباط دارد که از آن به طور وسیع برای جلب حمایت اعضای کنگره در سال ۱۹۹۵ استفاده شده است. اگر مبالغ فوق‌الذکر به کمک‌های مالی داده شده به **توریسلی** اضافه شود مجموع کمک‌های مالی سازمان به او بر ۱۵۵ هزار دلار بالغ خواهد شد.

چک‌های مزبور به تعداد زیادی به مرکز تبلیغاتی **توریسلی** در سنا ارسال شده‌اند تا بدین وسیله در میان دیگر کمک‌ها از نظرها پنهان بمانند. همهٔ چک‌ها، به جز سه مورد، در کنار سایر کمک‌های مالی سازمان ارسال شده‌اند. در اول اوت سال ۱۹۹۵، مرکز مبارزات تبلیغاتی **توریسلی** چهارده چک مرتبط با سازمان را، به مبلغ ۱۴ هزار دلار، دریافت کرد. قابل ذکر است که چهار نفر از ارسال‌کنندگان چک‌ها به صندوق تازه تأسیس شدهٔ **توریسلی** در سنا، همچنین در همان روز چک‌های دیگری به مبلغ هزار دلار به صندوق مبارزات تبلیغاتی **توریسلی** در مجلس نمایندگان ارسال کرده بودند. در تاریخ ۲۲ دسامبر، ۱۷

هزار دلار، و در تاریخ ۲۹ دسامبر، ۱۹ هزار دلار دیگر به صندوق **توریسلی** در سنا واریز گردیده است. در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۶، ۹ هزار دلار، ۲۵ مارس، ۱۴ هزار دلار، و ۱۳ مه مبلغ ۸ هزار دلار دیگر به حساب این صندوق واریز شد. آخرین پول پرداختی به مبلغ ۳ هزار دلار در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۹۶، یعنی یک روز قبل از برگزاری انتخابات، واریز شده است. از مجموع این کمک‌های مالی، هزار دلار از سوی یکی از فعالان رده بالای سازمان به نام **فاضله رسولی**، و ۲ هزار دلار دیگر از سوی مدرسه فارسی زبان «مهر ایران» در شهر برک ایالت ویرجینیا پرداخت شده است. مدرسه مزبور از سوی سازمان اداره می‌شود و بخشی از شبکه خدمات عمومی آنها است تا در برابر مدرسه فارسی زبانی که از سوی جمهوری اسلامی ایران در مرکز اسلامی پوتماک تأسیس شده است، قد علم کند. چک مدرسه «مهر ایران» از سوی مدیر مدرسه به نام منصوره زمانی ارسال شده است. دیگر آمریکاییان ایرانی‌تبار، در مقاطع مختلف، کمک‌هایی به فعالیت‌های تبلیغاتی **توریسلی** نموده‌اند، چراکه علاوه بر حمایت علنی این نماینده از سازمان، او یکی از مدعیان نقض حقوق بشر در ایران است. در میان سرشناس‌ترین این افراد می‌توان از سفیر سابق ایران، هوشنگ انصاری، نام برد. وی که مدیر چندین شرکت سرمایه‌گذاری است، به نماینده جمهوری خواه ایالت نیویورک، الفونسو... [جا افتادگی در متن انگلیسی]، ۴ هزار دلار به **توریسلی** و نیز ۵۰ هزار دلار به کاندیداهای مختلف جمهوری خواه و ... کمک کرده است. دیگر آمریکایی ایرانی‌تبار سرشناسی که به [کانون] فعالیت‌های **توریسلی** در مجلس سنا کمک کرده است، حسن نمازی است که مدیر یک شرکت سرمایه‌گذاری در نیویورک است. خسرو سمنانی، یک کارخانه‌دار ساکن سالت لیک‌سیتی ایالت یوتا، نیز پیشتر چکی به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار برای [کانون] فعالیت‌های **توریسلی** در مجلس نمایندگان ارسال داشته بود. البته کمک‌های نمازی، سمنانی و انصاری به طور جداگانه و بدون ارتباط با سایر کمک‌های مالی، ارسال شده‌اند. به علاوه که آنها به هیچ عنوان ارتباطی با افراد کمک‌کننده وابسته به سازمان نداشته‌اند. هر سه نفر فوق‌الذکر در جامعه بازرگانی آمریکا، شناخته شده‌اند.

نکته جالب توجه آن است که افراد امضاکننده چک‌ها از ذکر شماره تلفن خودداری کرده‌اند، و در اکثر موارد نیز شماره تلفن کارفرمایان آنها ذکر نشده است. برخی از این شرکت‌های کمک‌کننده نیز به‌طور آشکار از سوی آگاهان به عنوان شرکت‌های پوششی سازمان شناخته شده‌اند. به گفته منابع ایرانی و دولتی آمریکا، دیگر شرکت‌ها نیز از سوی سازمان‌های مجری قانون در آمریکا، به عنوان شرکت‌های پوششی سازمان معرفی گشته‌اند.

پس از **توریسلی**، دیگر دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی سازمان عبارت بودند از: نماینده جمهوری خواه ایالت ایندیانا، **دن برتون** ۱۰ هزار دلار؛ **گری اکرم**، نماینده دمکرات نیویورک ۱۸ هزار و ۲۵۰ دلار؛ **باب نی**، نماینده جمهوری خواه از ایالت اوهایو ۴ هزار دلار و **ادولفوس تانز**، نماینده دمکرات ایالت نیویورک که هزار دلار دریافت کرده است. ۷ هزار دلاری که **جیمز ترافیکنت**، نماینده جمهوری خواه ایالت اوهایو، از منابع سازمان دریافت داشته است، بالاترین مبلغ کمک‌ها به فعالیت‌های تبلیغاتی وی بوده است که دربرگیرنده ۱۷/۵ درصد کل کمک‌های سازمان‌ها و افراد، در چرخه انتخاباتی ۹۶-۱۹۹۵، می‌شده است. هر پنج نماینده کنگره و سناتور **توریسلی** از حامیان آشکار بوده و در اغلب اوقات بانی نامه‌هایی شده‌اند که در آنها، خواهان حمایت نمایندگان از شورای ملی مقاومت و رهبران آن، یعنی **مسعود و مریم رجوی**، می‌شدند و از وزارت امور خارجه [آمریکا] می‌خواستند که با این سازمان به گفتگو بپردازد. به نظر می‌رسد که همین اقدامات موجب افزایش کمک‌های مالی سازمان شده است. زیرا سرازیر شدن پول‌ها زمانی آغاز شد که سازمان در سال ۱۹۹۳ با مشکل بزرگی در کنگره مواجه بود. در این دوران مخالفت با سازمان، به رهبری سناتور **جان مک کین** و **لی همیلتون**، رییس وقت کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، در جریان بود. **همیلتون** و **مک کین** نامه‌هایی در سال ۱۹۹۳ از وزارت خارجه به تاریخ ۲۰ دسامبر، برای مجاهدین خلق فرستادند که ویرانگر بود.

در پی وخامت چشمگیر جو کنگره و خصومت علنی وزارت خارجه علیه این گروه، دفتر شورا در واشنگتن دی سی برآن شد که با استفاده از کمک‌های مالی آمریکاییان ایرانی تبار، حمایت نمایندگان کنگره را که برای فعالیت‌های سازمان در آمریکا مهم است، جلب کند.

یک روز پس از دریافت نامه وزارت خارجه، هریک از چهار تن افراد مظنون به حمایت از سازمان، مبلغ هزار دلار برای کمک به فعالیت‌های تبلیغی نماینده جمهوری خواه کنگره، **دن برتون** ارسال داشتند. از اکتبر ۱۹۹۳ تا آوریل ۱۹۹۴، حامیان سازمان و سمپاتیزان‌های آن، ۱۳ هزار دلار دیگر به نماینده کنگره، **توریسلی** کمک کرده‌اند. این کمک مقدماتی، ظاهراً به منظور مقابله با تلاش‌های **همیلتون** و **مک کین** صورت گرفت.

در اوایل سال ۱۹۹۴، سناتور **مک کین** مصوبه‌ای را ارائه داده بود که طبق آن به سازمان و شورای مقاومت، رسماً، عنوان سازمان‌های تروریستی داده می‌شد و از وزارت خارجه خواسته می‌شد تا گزارشی علنی از فعالیت‌های سازمان منتشر سازد. به تحریک **توریسلی** و **برتون**، اعضای مجلس حاضر در آن

جلسه، لحن درخواست **مک کین** در لایحه قانونی ۴ آوریل وزارت خارجه را حذف کردند. هم‌زمان، دفتر شورای مقاومت در واشنگتن، علناً **مک کین** را به تسلیم شدن در برابر خواست جمهوری اسلامی متهم ساخت، و ادعا نمود که یک فرد ذی‌نفوذ که مأمور دولت جمهوری اسلامی بوده است، به گرمی از تلاش‌های **مک کین** بر ضد سازمان استقبال کرده است.

زمانی که از سخنگوی دفتر شورا در واشنگتن دی سی در مورد کمک‌های مالی آن به مبارزات تبلیغاتی برخی از نمایندگان، سؤال شد، او قول داد تا در زمان دیگری موضوع کمک‌های مالی شورا و سازمان را با سؤال‌کنندگان مورد بحث قرار دهد.

در اواسط سال ۱۹۹۴، در زمانی که وزارت خارجه آمریکا گزارش سالانه خود را درباره تروریسم بین‌المللی منتشر ساخت، شرایط سازمان وخیم گشت. در این گزارش برای اولین بار، نام سازمان و شورای مقاومت در بین سازمان‌های تروریستی آمده بود. به گفته یکی از سخنگویان دفتر ضد تروریسم وزارت خارجه آمریکا، آنها همواره مجاهدین خلق را به عنوان یک گروه تروریستی تلقی می‌کرده‌اند، اگرچه نام آنها تا سال ۱۹۹۴ در فهرست این دفتر ذکر نشده است.

در اواسط سپتامبر ۱۹۹۴، این خبر در کنگره پیچید که وزارت خارجه آمریکا در آخرین مراحل تهیه گزارش خود درباره سازمان است. نمایندگان، در تلاش برای جلوگیری و خنثی کردن گزارش مزبور، خواهان انجام گفتگو با شورای مقاومت گردیدند. بیانیه جداگانه‌ای نیز در همین راستا از سوی نمایندگان کنگره آمریکا انتشار یافت.

دو روز بعد، هواداران سازمان به رهبری رییس سازمان زنان مجاهدین خلق، به نام **بهجت دهقان**، ۵ هزار دلار به ستاد فعالیت‌های **برتون** ارسال داشتند. **دهقان**، در تاریخ ۹ اکتبر، مبلغ ۳ هزار دلار نیز برای **اکرم فرستاد**. در تاریخ ۲۴ اکتبر، **هدایت مصطفوی** که در دفتر شورای مقاومت در واشنگتن دی سی مشغول فعالیت بود، به همراه ۸ تن دیگر، مبلغ ۹ هزار دلار به **توریسلی** کمک کردند. از ماه اکتبر ۱۹۹۴ تا دسامبر ۱۹۹۵، **مصطفوی**، شخصاً هزار دلار دیگر به **توریسلی** و ۳ هزار دلار به **برتون** کمک کرد، اگرچه اسناد فعالیت‌های تبلیغاتی بیانگر آن هستند که هزار دلار از مبلغ فوق‌الذکر پس داده شده است، قابل توجه است که احتمالاً به دلیل فراتر رفتن کمک‌های مزبور از حد مجاز - هزار دلار برای هر مورد فعالیت تبلیغاتی - بوده است که این کار صورت گرفته است.

گام بعدی این نمایندگان در راستای شناسایی و حمایت از سازمان، نامه حمایت‌آمیز آنان، یعنی

**توریسلی، اکرم، ترافیکنت، و برتون** در بهار و تابستان سال ۱۹۹۵، خطاب به سایر نمایندگان بود. در تاریخ ۸ ژوئن، نمایندگان مزبور یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کردند تا اعلام کنند نامه‌ای به حمایت از شورای مقاومت، توسط ۱۹۴ نماینده کنگره به امضا رسیده است و در تاریخ ۳۰ مه برای **کلینتون** ارسال شده است. در ۵ ژوئیه، این نمایندگان متن نامه‌ای را منتشر ساختند که مدعی بودند از امضاء ۲۰۲ تن از نمایندگان برخوردار است. در این نامه از رییس جمهوری آمریکا خواسته شده بود تا «از خواست مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی حمایت شود» و اعلام شده بود که شورای ملی مقاومت به رهبری **مسعود رجوی**، به تحقق امر دموکراسی در ایران کمک خواهد کرد. بیان این قسمت از نامه باعث شد که چندین تن از نمایندگان کنگره آمریکا، از جمله نماینده دمکرات ایالت ویرجینیا به نام **جیمز موران**، اعلام کنند که آنها این نامه را تحت عنوان دیگری امضا کرده‌اند. این اقدام، چندین تن از نمایندگان کنگره را برآن داشت تا امضاهای خود را پس بگیرند. بسیاری از این نمایندگان در پی ارسال نامه‌های شخصی از سوی رییس حزب جمهوری‌خواه کالیفرنیا، **جان هرینگتون**، به این کار ترغیب شدند.

پس گرفتن امضاء از **سوی موران**، نماینده کنگره، حائز اهمیت زیادی بود، چراکه، قبل از آن، توسط **حسین پناهی** از وی درخواست شده بود که در یک گردهمایی اعضای سازمان در واشنگتن دی سی سخنرانی کند. دکتر حسین پناه که به عنوان یک جراح قلب شهرت دارد، در تاریخ ۲۴ ژوئیه، به نام نماینده یک گروه غیرانتفاعی ایرانی در ویرجینیا، به دفتر **موران** مراجعه نمود تا اعتراض خود را نسبت به پس گرفتن امضا به وی ابراز کند. به همراه او تعداد ۹ نفر از دیگر سمپاتیزان‌های سازمان نیز بودند که به دلیل تغییر موضع این نماینده، اعضای دفتر وی را مورد تهدید قرار دادند.

هواداران سازمان، تعهد خویش را نسبت به بنیان نامه حمایت‌آمیز برخی از اعضای کنگره به **کلینتون**، با افزایش کمک‌های مالی به فعالیت‌های تبلیغاتی آنان تقویت کردند. آنها، در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۵، مبلغ هزار دلار به مبارزات تبلیغاتی **برتون** کمک کردند، و در تاریخ اول اوت، ۱۴ هزار دلار دیگر نیز به توریسلی داده شد که به تازگی به عضویت مجلس سنا درآمده بود. در تاریخ ۲۷ اکتبر، مبلغ ۷ هزار دلار از منابع سازمان، به **گری اکرم** کمک شد. با افزودن ۷ هزار دلار پرداختی به توریسلی در تاریخ ۴ آوریل، و ۹ هزار دلار دیگر در این میان، مجموع مبالغ پرداختی بابت یک نامه حمایت‌آمیز، به ۴۰ هزار دلار رسید. مشاورین تبلیغاتی این نمایندگان، هیچ‌گاه توضیح شفافی در رابطه با این کمک‌ها نداده‌اند. از طرفی کمک‌کنندگان نیز از گفتگو درباره کمک‌های مالی‌شان به مبارزات تبلیغاتی این نمایندگان، خودداری

ورزیدند.

یک مقام عضو سازمان‌های مجری قانون در آمریکا که با فعالیت‌های سازمان و موضوع کمک‌های مالی به مبارزات تبلیغاتی آشنایی داشت، ضمن مرور مستندات این جریان اظهار داشته است: «این کمک‌ها به طور حتم بیانگر یک فعالیت هماهنگ، برای تأثیر گذاشتن بر کنگره می‌باشد». نکته قابل ذکر این است که طبق قانون آمریکا دریافت کمک‌های مالی از اتباع خارجی، برای مبارزات تبلیغاتی نمایندگان، غیرقانونی و ممنوع است، مگر آن که این اتباع خارجی از کارت سبز - که سند شهروندی آمریکایی بودن است - برخوردار باشند. یک مقام آمریکایی کمیسیون انتخابات، در این باره اظهار داشت که برخی از این کمک‌کنندگان فاقد کارت سبز بوده‌اند و به این ترتیب، کمک‌های آنها به وضوح جنبه غیرقانونی پیدا می‌کند. البته در کمک‌های سازمان، از این گونه موارد نقض آشکار قانون فعالیت‌های انتخاباتی آمریکا، بسیار دیده می‌شود که از جمله آنها می‌توان از کمک‌های شورای ملی مقاومت، که در آمریکا یک سازمان خارجی محسوب می‌شود، نام برد. کمک‌های مالی افراد شاغل در شورا، در واشنگتن، را نیز باید مطابق مورد فوق طبقه‌بندی کرد، از جمله کمک ۵ هزار دلاری هدایت مصطفوی به مبارزات تبلیغاتی توریسلی و برتون، و ۵۰۰ دلار ارسالی از جانب عبدالناصر به ادولفوس تانز و ۳۵۰۰ دلار کمک داده شده از سوی پزشک ساکن برک ایالت ویرجینیا، حسین پناهی، نیز جزو کمک‌های گروه مزبور تلقی می‌شود، زیرا دکتر پناهی شخصاً در کنگره به نفع تشکیلات مزبور به فعالیت پرداخته است.

قانون انتخاباتی کشور آمریکا همچنین به طور خاص پرداخت کمک‌های مالی به نام دیگران را منع کرده است. این حقیقت که چندین تن از افراد خاص در شرکت‌های وابسته به سازمان (اکس کامپیوتر، آمریکن لیدینگ تکنولوژی، و فینیکس توراند تراول) از این شرکت‌ها برای پرداخت کمک‌های مالی به نمایندگان طرفدار سازمان در کنگره استفاده نموده‌اند، می‌تواند به تحقیقات «کمیسیون انتخاباتی فدرال» آمریکا بینجامد که آیا قوانین مبارزات تبلیغاتی نقض گشته‌اند یا خیر؟ به همین ترتیب، قانون انتخاباتی ایالات متحده آمریکا الزامی می‌سازد که تک‌تک افرادی که به صورت یک گروه در امر فعالیت انتخاباتی فدرال شرکت می‌جویند، می‌بایست که به عنوان یک گروه سیاسی ثبت‌نام کنند.



گری اکرمین



رابرت توریسلی



فیلپ نی



دن برتون

## □ ادعای بمب‌گذاری در انتخابات

مهدی ابریشمچی:

بعد از دو هفته تأخیر که داشتیم خواستیم که یک گزارش به آقای رییس جمهور بدهیم و به همین مناسبت می‌خواستیم چند دقیقه هم شده تقاضای ملاقاتی از رییس جمهور داشته باشیم. اما در مورد اخبار نظام که مصطفی گفته بود. دیروز مشخص شد که (امام) خمینی با شکست بزرگی روبرو شد. در رابطه با انتخابات دیروز ما از بیش از ۸۰۰ حوزه رأی‌گیری گزارش مستقیم داشتیم و همه‌اش نشان‌دهنده عدم استقبال مردم از انتخابات است. برای هر حوزه ۵۰ نفر مأمور مسلح قرار داده بودند و هر کسی که برای رأی دادن می‌رفت همه را بدون استثناء بازرسی می‌کردند. ما دیروز ۲۱۱ بمب در سراسر ایران منفجر کردیم و شدت این جریان‌ها خیلی زیاد بود و به خصوص در تهران که در نماز جمعه مهدوی کنی به آن اشاره کرد و دیروز با یک خمپاره ۸۰ میلی‌متری از آبادان پایگاه پاسداران را بمباران کردند و یکی از زاغه‌های مهمات را در آبادان منفجر کردند. آماری که قبلاً مصطفی به ابوعمره داده بود ما به استثناء دو آر.پی. جی تمام برنامه را اجرا کرده‌ایم. یعنی آقای عمر اگر آمار را داشته باشد ما بمب را بین ۶۰ تا ۷۰ مورد گفته بودیم ولی ۲۱۱ بمب را منفجر کردیم. آتش زدن مراکز رژیم ۳۵ مورد گفته بودیم در صورتی که ۵۸ عملیات انجام دادیم.

در رابطه با سؤالی که از برادر رضا داشتید در خصوص صحبت‌های ری شهری دیروز واقعیتش این است که رژیم (امام) خمینی هیچ‌وقت به این اندازه درمانده نبود. دیروز نتوانستند رفسنجانی را برای نماز جمعه بیاورند و نمی‌توانستند در یک زمان هم از نماز جمعه و هم از مراکز اقتراح (انتخابات) و رأی‌گیری محافظت کنند. تقریباً حتی از ژاندارم‌ها در شهرها استفاده کرده‌اند. بعد به این دلیل از اول صبح خواستند یک جنگ روانی بر علیه ما راه‌اندازی کنند و مهمترین مسئله که ری شهری در این مسئله دنبال می‌کرد روحیه دادن به نیروهای خودشان بود. این اولین باری نبود که می‌گفتند اینها از عراق آمده بودند. در سال ۱۹۷۱ سپتامبر، شاه هم گفت اینها از عراق می‌آیند. در حالی که ما در آن زمان مطلقاً با شما هیچ‌گونه ارتباطی نداشتیم اما این واقعیت داشت که ۲ تا از آر.پی. جی‌های ما را رژیم توانسته بود بگیرد و چهار نفر از رفقای ما را گرفته بودند اما این می‌شود گفت هر روز و هر هفته تکرار می‌شود. منتها تأکید آنها روی وابسته بودن ما به شما بود شاید این بیش از صد بار است که می‌گویند مجاهدین را گرفته‌ایم و تمام شدند. جمله‌ای که آقای ری شهری گفت توطئه را کشف کردیم و تمام کردیم در حالی که تا ساعت ۷ بعد از ظهر دیروز جمعه ما در تمام شهرهای ایران به عملیات‌های خود ادامه می‌دادیم. لذا اطلاعیه ری شهری یک اطلاعیه سیاسی است تا یک اطلاعیه عملیاتی و اطلاعاتی و بیشتر به

درد رادیو اسرائیل می خورد که دیروز در تفسیر خود استفاده می کرد. این گزارشی از آنچه واقع شده بود.

افسر سرویس (ابو احمد): رادیو ایران اعلام کرده بود که عده ای به استعداد ۴۰ نفر از عناصر عراقی را دستگیر کرده است.

ابریشم چی: بله گفتند ۴۰ نفر ولی از ما ۴ نفر را دستگیر کردند.

(ابو احمد): این چهار نفر بر کار شما تأثیر نگذاشته است.

ابریشم چی: این چهار نفر بر کار ما تأثیر نگذاشته به سبب آنچه شما مشاهده می کنید ما می توانیم عملیات انجام بدهیم و باز هم در هر هفته از این عملیات خواهیم داشت به طور مثال ۴۰ روز پیش آقای ری شهری مصاحبه ای با روزنامه نگاران داشت و در آن مصاحبه اشاره داشت که آنهایی که به دادستانی با آر. پی. جی شلیک کرده بودند را دستگیر کرده بودیم. از طرفی دیگر ما خودمان را برای خیلی از مسائل آماده کرده بودیم. درگیری، شهادت یا دستگیری، دلایل این بود که ما یک ماه قبل اعلام کرده بودیم که در این پانزده روز کار خواهیم کرد. طبیعی است که این دستگیری و ضربه هم خواهد داشت اما اگر بخواهیم محاسبه هم بکنیم درآمد ما بیشتر از خرج ما است.

یعنی تمام کارهای ما در این هفته هایی که اعلام می کنیم پنجشنبه دفعه قبلش تعداد عملیات هیمان بیشتر و تعداد بیشتر بود.

بیان سخنان بی پایه در اظهارات نماینده سازمان نسبت به نتایج انتخابات نشان دهنده خشم آنان از حضور گسترده مردم و پای بندی به انقلاب اسلامی و آرمان های آن می باشد. در نوار ۱۱۶ که مربوط به انتخابات مجلس است نسبت به جزییات اینچنین حساسیت نشان می دهند:

افسر عراقی: از انتخابات چه خبر؟ دیشب شنیده ایم که (فخرالدین) حجازی دو میلیون رأی آورده و رفسنجانی یک ۱/۵ میلیون.

نماینده سازمان (مصطفی): ۳۰٪ بیشتر از جمعیت رأی داده شده است. ممکن است از نیروهای عراقی که شما بیرون کرده اید هم رأی داده باشند و یا از پاکستان و غیره. ظاهراً بیش از جمعیت ایران رأی داده شده.

نماینده سازمان: همه انتخابات نظام سری بود و اعلام نمی شد.

افسر عراقی: با توجه به آماری که در مورد رفسنجانی داده شده احتمال وجود اختلاف هست. نماینده سازمان: مردم به خاطر اینکه اگر نیابند و شرکت نکنند کوپن هایشان را قطع می کنند مجبورند در انتخابات شرکت می کنند و از طریق مساجد شناسنامه ها را چک می کنند تا مردم در

انتخابات شرکت کنند در هر ماه یک کیلو و نیم برای هر نفر برنج می دهند.  
 افسر عراقی: اطلاعات شما در رابطه با مشارکت مردم چه مقدار است؟  
 نماینده سازمان: تعداد پنج میلیون شرکت کرده اند. انتخابات در این نظام معنی ندارد بلکه انتصابات است.

### □ وساطت حسنی مبارک

اسناد موجود حاکی از فراز و نشیب در روابط سازمان و رژیم عراق با آمریکا است.  
 در سال های حضور رجوی در فرانسه، تلاش برای جلب اعتماد آمریکایی ها از جانب سازمان بسیار قابل توجه است. متن یک ملاقات بدین شرح است:  
 داوری: ما چند تا مطلب داشتیم که می خواهیم با شما مطرح کنیم. اولین مسئله مسافرت آقای حسنی مبارک به آمریکاست. قبلاً در این خصوص با شما صحبت کرده بودیم و خواستیم در این مسافرت آقای حسنی مبارک ما را به آمریکا معرفی کند. مخصوصاً الان هم در خلیج دارد قطب بندی می شود و ما در سیاست هایمان ضروری است تحرکی داشته باشیم.  
 در همین راستا مهدی ابریشمچی ایجاد امکان برای برقراری ارتباط سازمان با آمریکایی ها را بسیار مثبت و ارزشمند تلقی می کند.

ابریشمچی: شما می دانید که آمریکایی ها در این خصوص نقش مهمی را ایفاء می کنند.  
 (تبلیغات و فضا سازی علیه ایران).

ما اگر بتوانیم از طریق مطبوعات و محافل سیاسی بین الملل، آمریکا را نسبت به توانایی مجاهدین آشنا سازیم مسلماً تحولات آینده بیشتر به نفع سازمان خواهد بود. پیروزی های ما به حدی زیاد است که برخی تا لمس نکنند باور نخواهند کرد.

آنان همچنان اصرار دارند عراقی ها افرادی را در وزارت خارجه آمریکا معرفی کنند تا آنها بتوانند در راستای جلب اعتماد آمریکایی ها فعالیت کنند. البته عراقی ها، شیوه های اجرایی برای ارتباط گیری با آمریکایی ها و جلب اعتماد آنها را مطرح می کنند.

داوری: شما می دانید که هفته گذشته ریچارد مورفی در کنگره آمریکا علیه ما زیاد صحبت کرد، این مطلب را قبلاً به شما داده ام. تحلیل دو نماینده کنگره آمریکا در خصوص سازمان است. لوموند هم در خصوص حرف های مورفی تحلیلی داده است. (این تحلیل) و رادیو آمریکا و اسرائیل نیز سخن مورفی را نقل کرده اند.

او گفته که سازمان مجاهدین تروریست و ضدآمریکاست و در زمان شاه ۷ آمریکایی را کشته‌اند. این اسامی ۷ عضو کنگره و ۱۵۰ عضو مجلس است که سازمان را تأیید نمودند و مورفی برای آنها سخن می‌گفت و علیه ما جوسازی می‌کرد و سلطنت طلب‌ها نیز همینطور. متأسفانه خبرگزاری شما هم این را نقل کرده است و با تلکس همه جا مخابره نموده است. اگر چه واقعیت را منعکس نموده ولی در سطح بین‌الملل تأثیر منفی دارد. این متن تلکس خبرگزاری شما است. بله وزارت خارجه آمریکا دیدش به ما منفی است و به سناتور طرفدار ما خطریه داده است و بدین سبب ما از شما پرسیدیم که آیا در وزارت خارجه آمریکا کسی را می‌شناسید، گفتید خیر؟

افسر سرویس: شما می‌توانید افرادی را به سفارتخانه‌های آمریکا در هر کشوری بفرستید یا با مقام دوم سفارت به آرامی با آنها صحبت نموده و رفع سوء تفاهم کنید. چند جا که این کار را بکنید ۱۰۰ گزارش به وزارت خارجه آمریکا خواهد رفت. این گزارش‌ها به سیا هم خواهد رسید و مدارک خوب و مثبتی برای شما خواهد بود.

پیشنهاد دیگر اینکه شخصیت‌هایی عراقی و ایرانی اعم از اسلامی و یا سرمایه‌داران هستند که با آمریکا ارتباط دارند و می‌توانند در راستای نقل تصویر مناسبی از شما فعالیت نمایند. خلیل حسن را که می‌شناسید با حسن صباغ دوستی دارد و با آمریکایی‌ها بسیار نزدیک است. بروید و بگویید از سوی سازمان آمده‌ام تا مطالبی را عنوان کنم، سیا، کاخ سفید، وزارت خارجه تجدیدنظر خواهند کرد و همینطور از طریق ارتباط‌گیری با شبکه‌های عربی مثلاً ملک عبدالله و...

رژیم عراق در بهبود و گسترش رابطه سازمان با آمریکا نقش مؤثری داشته است. در نوار شماره ۶۵ مربوط به اوایل ورود سازمان به عراق در سال ۶۵ اشاره‌های مهمی درباره روابط با آمریکا وجود دارد. از یک جانب سرویس اطلاعاتی عراق صریحاً بیان می‌کند که رابطه ما (عراق) با آمریکا، رابطه جوانی (جدید و تازه) است و احساس می‌کنیم که این موضوع (معرفی شما به آمریکایی‌ها) از جانب ما مطرح نشود. (آمریکایی‌ها) از شما چندان رضایتی ندارند. از شما نگرانی دارند. آنها هراس دارند، فعلاً باید با آمریکایی‌ها در خصوص شما غیرمستقیم صحبت کرد. اما از جانب دیگر، سازمان در این سند اشاره به برقراری ارتباط و ملاقات با آمریکایی‌ها دارند.

متن این مذاکرات چنین است:

داوری: دو تا سؤال سیاسی داشتم:

۱) راجع به کنفرانس دارالبیضاء:

## ۲) در رابطه با پیام ریچارد مورفی.

افسر سرویس: با چشم‌پوشی از نتایج کنفرانس دارالبیضاء، آن کنفرانس برای عراق یک پیروزی محسوب می‌شد در برابر لیبی و سوریه و در این کنفرانس سوریه را متوجه ساختیم که بدون حضور آنها کشورهای عربی کنفرانس منعقد می‌کنند. یمن و الجزایر فقط بر محل برگزاری اشراف داشته‌اند. مهمتر از آن، کنفرانس سران در عربستان است که در آن تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز اتخاذ خواهد کرد. این کنفرانس حمایت معنوی بزرگ برای عراق بود.

در مورد مورفی در همان روزی که شما به من گفته بودید وی به اسرائیل سفر کرده بود و پس از آن به مصر مسافرت کرد. از نظر اصولی چون رابطه ما با آمریکا رابطه جوانی است و احساس می‌کنیم این موضوع از جانب ما مطرح نشود و از شما چندان رضایتی ندارند و از شما تصویری همچون... کمونیست‌ها دارند و نمی‌شود در خصوص شما با آنها مستقیماً صحبت کرد. بلکه غیرمستقیم، با اردن و امیر عبدالله رابطه خوبی برقرار کنید. نتیجه خوبی حاصل خواهید کرد.

موضوع سرّی و مهمی را می‌خواهم به شما بگویم و آن اینکه یک سال پیش من شخصاً از طریق وزارت خارجه پیگیری ایجاد رابطه شما با آمریکا شدم ولی از شما نگرانی دارند و ملاقات با شما را نمی‌پذیرند. آنها می‌ترسند... آنها هراس دارند و قبل از آنکه شما بگویید ما موضوع را پی‌گیری کرده‌ایم. آنها دنبال جانشین رژیم برای (امام) خمینی هستند و دنبال آلترناتیو هستند و آنها هنوز کسی را برای جانشینی انتخاب نکرده‌اند و با توجه به این، دیگر گروه‌ها را دعوت می‌کنند ولی هنوز انگشت روی کسی نگذاشتند و مسئله خاورمیانه مسئله سوم و چهارم آنها است. شما در جهت شناسایی خودتان به آنها تلاش کنید شما جدید هستید، نسبت به دیگران که قدیمی هستند آنها از کلمه تروریست می‌ترسند.

داوری: در گذشته در ملاقاتی که با آمریکایی‌ها داشتیم، گفتند که خودتان را جدی بگیرید و وقتی شما اسم دو هزار نفر را در نشریه خود منتشر می‌کنید از آمریکایی‌هایی که به شما کمک می‌کنند، این امر باعث خواهد شد که جناح‌های دیگر در آمریکا بر علیه شما فعال شوند. آمریکایی‌ها می‌گفتند برخی از جناح‌ها نسبت به شما حالت بی‌تفاوت دارند و ضد شما نیستند و بعضی دیگر شما را اجباراً قبول می‌کنند چون هیچ راه حلی در برابر خمینی نمی‌بینند. اما نمایندگانی مانند مورفی هم ضد شما هستند.

همانطور که شما گفتید علاقه و روابط شما با آنها جدید است و آمریکا حدود یک سال است که اسم شما را از لیست سیاه خط زده است و همانطوری که اشاره کردید از طریق بعضی از دوستان مانند اردنی‌ها ساده‌تر باشد و به اطلاعاتان هم برسانم ملک حسین در ازدواج برادر مسعود شخصاً یک دسته گل بسیار زیبایی فرستاده بود.

افسر سرویس: باید مطمئن شوید، آمریکایی‌ها نمی‌خواهند که ایران از دایره قدرتش خارج شود و منطقه امنی رامی‌خواهند. آمریکایی‌ها دنبال مبارزه با تروریست‌ها هستند و محور لیبی سوریه ایران را به عنوان یک محور قرار داده‌اند. داوری: مسئله تروریست مسئله مهمی است.

میزان حساسیت سازمان به دیدگاه آمریکا مشخص است. در جلسه‌ای ابریشمچی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز عراق از داخل ایران کاملاً اعلام آمادگی می‌کند و در مقابل، درخواست تلاش برای برقراری رابطه با آمریکایی‌ها و جلب اعتماد آنان را دارند.

افسر سرویس: این کار تبلیغی شما بسیار خوب بود، برای نظام خمینی دردسر درست کردید، هفته آینده در خصوص دو موضوع مهم دیداری خواهیم داشت: ۱) اطلاعات در خصوص منابع گاز که مطرح کردید؛

۲) اطلاعات، نه تحلیل، در خصوص ارتباط و روابط آمریکا با نظام (خمینی) مدنظر حاکمیت آمریکا است. آمریکا در بسیاری از مواضع خود مسیر خود را مشخص می‌کند ولی تصریحات مسئولین آنها اختلاف را نشان می‌دهد که برخی مثلاً می‌گویند رابطه برقرار کنیم و برخی مخالفند.

افسر سرویس: برای روشن شدن این موضوع اگر در داخل ایران جمع‌آوری داشته باشیم بهتر از سردرگمی ما در اظهارات مسئولین آمریکایی است و حتی رابطه اروپایی‌ها نیز روشن خواهد شد. مثلاً اگر آمریکا بخواهد به ایران به صورت غیرآشکار سلاح بدهد، اروپا در این راستا باید همکاری و نقش ایفاء کند، خصوصاً کشورهای که نیاز به ارز دارند و دنبال فرصت می‌باشند.

ابریشمچی: در داخل ایران هرگونه اطلاعات لازم باشد، جمع‌آوری آن برای ما میسر است. اما در راستای روابط خارجی ایران نیاز به همکاری شما داریم و طی جلسه‌ای باید نیازمندی‌های شما را در این خصوص دریافت کنیم و پی‌گیری کنیم.

این اسناد حاکی است در سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۵ عراقی‌ها در اوج برقراری ارتباط با آمریکا هستند و نماینده سرویس عراق تصریح دارد که از سال ۱۹۸۲ رابطه ما با آمریکا رو به بهبودی رفت.

اهمیت مذاکرات این جلسه در آن است که به دنبال سفر هیئت آمریکایی به ریاست ریچارد مورفی به عراق. نماینده سازمان چندین مرتبه سؤال می‌کند آیا شما (عراقی‌ها) با مورفی در مورد ما صحبت نکردید؟ و حتی از این مسئله اظهار ناراحتی می‌کند که حکومت ایران درصدد است رابطه آمریکا را با ما

(سازمان) تیره سازد. البته سرویس اطلاعاتی عراق تصریح می‌کند سازمان باید از رابطه برقرار شده بین آمریکا و عراق خوب استفاده کنند. پیشنهادات عملی سرویس عراق نیز قابل توجه است.<sup>۱</sup> داوری: در رابطه با تلاش‌های آمریکا جهت برقراری صلح چه اطلاعاتی دارید؟ مثلاً نسبت به صداقت آنان مانند اتحاد شوروی؟

افسر سرویس: موضع آمریکا روشن است. رابطه ما از سال ۸۲ (میلادی) به بعد با آمریکا رو به بهبودی رفت. مواضع آمریکا از سال ۸۲ تا کنون می‌توان گفت الآن خیلی بهتر از گذشته است و میزان جدیت آنان نسبت به صلح بستگی به میزان نفوذشان بر روی مسائلی دارد که زودتر از صهیونیست‌ها عمل کنند.

داوری: شما خودتان چشم‌انداز صلح را چه می‌بینید چون تمامی جوامع بین‌المللی تلاش دارند که صلح میان ایران و عراق برقرار شود.

افسر سرویس: احتمال دارد شورای امنیت در این زمینه تصمیماتی اتخاذ نماید. مثلاً فراخوانی صورت پذیرد و نسبت به تصمیمات قبلی پیشرفتی صورت بگیرد تا وقتی تمام مجتمع جهانی تصمیم نگیرد که رژیم (امام) خمینی را به طور کامل از نظر توان جنگی به خط صفر برسانند، جنگ ادامه خواهد داشت.

در عین حال احساس می‌کنیم تلاش‌های بین‌المللی مثبت و ابجابی است از جنبه جنگ. برای ما مهم است که ببینیم از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای راجع به جنگ چه می‌گویند. البته هیچ انتظار حرکت غیرمترقبه‌ای نداریم و اینکه ما را از مسئله‌ای بترسانند. چرا که این التهاب جنگ به نقطه اوج خودش رسیده و الآن در شرف فروکشی است. کمالینکه در موضع‌گیری کشورهای عربی هم چیز خاصی رخ نداده است. از نقطه نظر مادی هم وضع بهتر شده است. در منطقه هم مسئله غیرمترقبه‌ای اتفاق نیفتاده و در داخل عراق هم مشکل خاصی نیست.

داوری: در رابطه با سازمان هم چه شما و چه مورفی صحبتی نکردید؟

افسر سرویس: در رابطه با مورفی، موضوعات جلسه خیلی محدود و مشخص بود.

داوری: در رابطه با سوریه آخرین سؤال را بکنم. فکر می‌کنید که شوروی می‌تواند به سوریه فشار بیاورد که موضعش را تغییر دهد؟

افسر سرویس: (با نگاه و تکان دادن سر) تردید دارم.

داوری: خوب راجع به موضع‌گیری آمریکا، رژیم (امام) خمینی در صدد است که روابط آمریکا

۱. حدود سال‌های ۶۴-۶۵ شمسی، به طور هم‌زمان، دو هیئت آمریکایی و شوروی سابق از عراق بازدید داشته‌اند. رییس هیئت آمریکایی ریچارد مورفی بوده است.

را با ما تیره سازد و حتی برای خود ما تعجب آور است و این نشان دهنده رابطه جدیدی است که در موازنه داخل ایران به وجود آمده است و فکر می‌کنم رژیم (امام) خمینی هر چه می‌خواسته بگوید به ضرر خودش تمام شده است. یعنی احتمالاً در داخل نظام حاکم یعنی میانه‌ها به نفع ما تمایلاتی ایجاد شود. یعنی به نفع سازمان تمایلاتی در میان اعتدالی‌ها خواهد شد.

افسر سرویس: در رابطه با ایالات متحده، ما صادقانه خواستار و خواهان پیشرفت سازمان (منافقین) هستیم و فشرده تجارب خود را در منطقه در اختیار داریم.

خلاصه تجارب نشان می‌دهد این اشتباه است که بخواهیم نقش مردم و احزاب جامعه را نادیده بگیریم. باید تمام احزاب و گروه‌ها را مؤثر دانست حتی در رابطه با سوسیالیست‌ها هم در مبارزه با فئودالیزم نتوانسته‌اند آن طبقه را کامل از بین ببرند و آنان برخی باقی ماندند و اینها (سوسیالیست‌ها) مجبور به استفاده از آنان بوده‌اند.

می‌خواهم به این نتیجه برسم که تا آنجایی که به رابطه سازمان با آمریکا برمی‌گردد صرفاً بکارگیری این روابط علیه خمینی نیست. بیشتر از آن، موضوع اقشار مختلف اجتماعی ایران مانند فراریان ایرانی و یا افسران ارتش و یا افرادی از این قبیل و حتی در رده‌های بالای نظامی که گرایش هم به شاه ندارند. در رابطه با جذب این افراد باید تلاش کرد و حتی طبقات ثروتمندان و حتی روشنفکران و... اینها همه مهم هستند.

خیلی از فراریان مایلند رژیم خمینی برداشته شود و به ایران برگردند. آنان اعتمادشان را به هر تحولی از دست داده‌اند و فقط می‌خواهند برگردند و در بازسازی کشورشان شرکت کنند. طبیعی است که شعارهای ما در این رابطه می‌تواند معنا دهد مثلاً ما شعار می‌دهیم که یک نظامی خوب، یعنی خوبی خواهد بود. و یا اگر یک افسر و یا سرباز خوب بود آن فرد یعنی خوبی هم هست و شما باید از رابطه با ایالات متحده استفاده کنید و از رابطه جدید برقرار شده بین آمریکا و عراق و سازمان (منافقین) باید در این رابطه استفاده کرد و این رابطه می‌تواند در جذب افراد بسیاری مورد استفاده قرار گیرد.

نباید فقط تحت شعار تأیید و یا عدم تأیید سازمان تلاش باشد بلکه باید تحت شعار سقوط رژیم خمینی صورت گیرد نباید فقط سیاسیون را جذب کنید.

باید تمام ضررکنندگان از این رژیم را جذب کنید. تمام ضررکنندگان و آسیب‌دیدگان را. رژیم خمینی مثل نظام شاه نیست و اشتباهات رژیم شاه را تکرار نخواهد کرد و هر زمانی که احساس خطر نماید سرکوب و جنایت‌ها را افزایش خواهد داد چون می‌خواهند عمر خود را طولانی کنند.

در دیدار رجوی با رییس سرویس وقت عراق، ژنرال صابر الدوری که تاریخ آن سال ۱۹۹۱ میلادی

است.

**مسعود رجوی** به ارائه اطلاعات در زمینه ارتباطات خود با آمریکایی‌ها می‌پردازد. روند مذاکرات با آمریکایی‌ها - فروش اطلاعات تأسیسات اتمی و... در این جلسه مطرح شده است. این جلسه بعد از جریان اشغال کویت صورت گرفته است و طبعاً روابط عراق با آمریکا به هم خورده است. رجوی تصریح می‌کند ما با تمام قوا کار می‌کنیم تا نشان دهیم تهدید، خمینیسیم است و کسی که این تهدید را فراموش کند خودش ضرر می‌بیند. ما می‌خواهیم آمریکایی‌ها را قانع کنیم نسبت به توانایی خودمان در سرنگونی حکومت ایران.

رجوی: الان رسیدیم به سطح مسئولین عالیرتبه در وزارت خارجه آمریکا، مثل مورفی که می‌شناسید و همچنین سیسکو و آدم‌هایی در این سطح. هفته گذشته روز پنجشنبه آخرین ملاقات بین نماینده ما و مورفی صورت گرفت در آمریکا.

شروع کردند با اشتیاق که بشنوند حرف‌های ما را در این حالت که چنین نبود حتی سال‌ها قبل از آتش بس. ما تلاش کردیم نقشه و توطئه‌های رژیم (امام) خمینی را برایشان بر ملا کنیم و ثابت کنیم که نه عراق بلکه رژیم ایران تهدید شماره یک است. و با صراحت آن را گفتیم که این خطر و تهدید برای عربستان سعودی نیز می‌باشد. و این خود شما بودید که ما را ارتباط دادید با عربستان سعودی و حتی ملک فهد از من دعوت کرد تا به عربستان سفر کنم و رفتم و با ایشان ملاقات کردم و دوستان شما جریان را می‌دانند. توی این یک ماه که آمریکایی‌ها حرف ما را گوش می‌دادند، در مورد خودمان حالت ضدیت ندارند ولی با آن مخالف بودند و می‌پرسیدند که شما اوضاع را در منطقه چگونه می‌بینید و سرکلاف از کجا شروع می‌شود؟ ما می‌گوییم مسائل از ایران است، آنها می‌گویند این ایده جدید و حتی وسوسه‌انگیز است و اگر شما ملاحظه داشتید در هفته اخیر روی تأسیسات اتمی رژیم افشاگری کردیم، مخالفین ما می‌گویند که این برگه را عراق رو کرده در قبال تأسیسات اتمی خودش تا مسائل هسته‌ای با مسائل هسته‌ای رژیم توازن کند. شما بهتر می‌دانید. اصلاً ما با شما در این مورد صحبت نکردیم و مشورت نکردیم. دیروز باز هم تمام خبرگزاری‌ها، خبر یکی از آنها همین بود، به نحوی که حبیبی معاون رفسنجانی مجبور شد تکذیب کند. من در راه بودم به ابوارکان می‌گفتم گزارشی خواندم که برای اولین بار یک مقام بالای سرویس اطلاعاتی آمریکا سر این قضیه وارد بحث شد و چنین ابراز نظر کرده بود:

«که امروز تهران از نظر هسته‌ای عراق (بغداد) سال ۱۹۹۰ است» که این برای ما خیلی مهم است البته ما هیچ وقت رابطه با سرویس اطلاعاتی آمریکا نداشتیم و نمی‌خواهیم داشته باشیم، دلایل

این بازی برایتان روشن است چون سودی ندارد، این حرف راحتاً از وزارت خارجه آمریکا گرفتند و با انحاء مختلف به ما می‌رسانند که مخالفتی با روی کار آمدن ما در ایران ندارند، چون شوروی سابق در شمال ایران دیگر نیست و ما نخواهیم رفت که ایران را به شوروی تحویل دهیم و از طمع‌های ولایت فقیه نیز مطلع هستیم و برخی از آنها به ما می‌گویند که: عراقی‌ها باید خیلی شما را دوست داشته باشند، پرسیدیم چرا؟ گفتند که به نظر می‌رسد بهترین دیپلماسی این است حرف‌هایی که نمی‌خواهد بزند و اعتماد به آن نخواهند کرد شما دارید می‌زنید. یعنی اگر خود عراق میگفت رژیم (امام) خمینی اینطوری است و خطر شماره یک بنیادگرایی است ما باور نمی‌کردیم. اما کاست نوآرهای ویدئویی که برای آنها بردیم راجع به اینکه (امام) خمینی آمده بود بر روی کار. اسیرانی که آمدند دیدند مدارکی که بردیم شنیدند و با تمام هواداران و نیروهایی که در خود آمریکا بسیج کردیم، به سمت کنگره، وزارت امور خارجه، مطبوعات و شخصیت‌های علمی دانشگاهی که نظرها استراتژی‌شان خیلی مؤثر روی تصمیم‌گیرندگان است و این باعث شد که آنها یک کمی واقع‌بین‌تر بشوند.

داخل پرانتز می‌خواهم بگویم که شوروی، شوروی قبلی نیست. این مطلب که شوروی قبلی نیست و اینکه دیگر کسی فکر نخواهد کرد که ما ایران را تسلیم شوروی بکنیم این نکته‌ای بود که آقای رییس جمهور سه سال پیش به من گفته بود و من اهمیت آن را الان می‌فهمم. آقای رییس جمهور گفتند این مسئله برای شما و تعادل قوای جهانی خیلی مؤثر است، به هر حال مورفی که او را می‌شناسید در جواب نماینده ما که گفت: به عراق بیایید و با رهبری سازمان ملاقات کنید، ایشان گفت اگر خودتان فرودگاه می‌داشتید من می‌آمدم یعنی بدانید مشکل ما با عراق است نه با شما و تازه اگر من بیایم ممکن است به ضرر باشد.

ولی ایده‌ها و اطلاعاتی که شما دادید بعهده من است که به وزارت امور خارجه و کاخ سفید منتقل می‌کنم. منظورم این است که ما با تمام قوا کار می‌کنیم که نشان بدهیم تهدید، خمینیسیم است و کسی که این تهدید را فراموش کند خودش ضرر می‌بیند و ما آنها را قانع کنیم به توانایی خودمان برای سرنگونی رژیم.

ضدیت‌های سابق علیه ما از بین رفته است. گاهی می‌گویند که عراق نخواهد گذاشت شما عملیاتی را انجام بدهید و گاه می‌گویند اگر می‌توانید سرنگون کنید چرانی‌کنید؟ از این مطالب می‌خواهم نتیجه بگیرم علاوه بر اینکه از کارهای سیاسی و دیپلماتیک، کارهایمان به نفع هر دومان هست، تا آنجاییکه به رژیم (امام) خمینی باز می‌گردد، آمریکایی‌ها ما را به عنوان جایگزین و آلترناتیو رژیم می‌دانند و این چیز بدی نیست و این یک فرصت تاریخی است برای ما و شما.

چیزی که می‌تواند مشکلات ما را حل کند، صحبت‌هایم را با آن دو نظریه شروع کردم و گفتم که نظرم کدام است و این هم فضای بین‌المللی برای آن. فقط یک مسئله می‌ماند که ما از لحاظ نظامی آماده باشیم و شاید شما با نظر من (همراه) باشید ولی این مسئله بین ما نیست. باز هم خواهان آنم که در این موقعیت یک روز زودتر ما آماده باشیم بهتر است، خصوصیات ویژه‌ای که ما و شما در آن هستیم به نظر من از این قرار است: اولاً - اوضاع نامعین است (فاقد ثبات است) نه من و نه شما نمی‌دانیم شش ماه دیگر چه می‌شود؛

ثانیاً - اوضاع متلاطم است (متشنج است) به دلایلی که شما بهتر از من میدانید. ثالثاً - تحولات گسترده‌ای در راه است لاجرم به این منطقه خواهد آمد و زمان هم زمان محدودی است. شما بهتر از من می‌دانید بعد از جنگ‌های ۶۷ و ۱۹۷۳ چه تغییری گسترده در منطقه بود.

در حالی که در این جنگ شما، تغییرات بسیار بسیار بزرگتر از آن است. حالا تغییرات در ترکیه است نمی‌دانم یا خود کویت یا ایران یا عراق یا اسرائیل یا مصر یا سوریه، چیزی که من روی آن مصرم ما و شما باید دست به دست هم بدهیم و خودمان را تثبیت کنیم. این بوش باید بتواند تا آخر سال ۱۹۹۱ بیلان بدهد راجع به جنگ خلیج، از طرف دیگر خودش تا آخر سال ۱۹۹۲ بیشتر فرصت ندارد، این شرایطی که مرا بر می‌انگیزد، با برادر و متحد استراتژیکی که سرنوشت واحدی داریم، بخواهم بگویم، که آمادگی ما به سود هردومان است. من نمی‌دانم که آیا شما باور می‌کنید که ما می‌توانیم این رژیم را سرنگون کنیم یا خیر؟ اگر شما با تمام عیار کم‌کممان کنید.

در این رابطه نکته آخر من در این مقوله این است تا آنجایی که به رژیم (امام) خمینی مربوط می‌شود، برای موجودیت خودشان هم که شده است، ولایت فقیه باید شما را سرنگون کند و این نیاز حیاتی‌اش بوده و از قبل هم بوده است، از بدو حکومت (امام) خمینی. من می‌خواهم که ما و شما فرصت را از دست ندهیم، همین و بس. اینها حرف‌های اصلی و تحلیل‌های سیاسی من بود، که تمام شد. آن چیزی که باقی مانده یک نکته هست. یک مقدار مسایل و خواست‌هایم است مسایلی که بین ما و شما در جریان است.

منظورم این نیست جواب مثبت هم بگیرم، فقط مشکلاتمان را می‌گویم، صحبت‌هایم تمام شد. صابر رییس وقت سرویس عراق: آیا برادر مسعود فکر نمی‌کند که یک گشایشی در روابط فیما بین رژیم (امام) خمینی و آمریکا به وجود آمده است.

رجوی: فعلاً رابطه دارند، می‌دانید که بوش با یک کارت بازی نمی‌کند، تا وقتی که دشمن اصلی

آنها شما را می‌کند و رفسنجانی این را خوب فهمیده است و به همین دلیل این دو تانمی توانند از نظر استراتژیک با هم کنار بیایند، مخصوصاً که مدلاسیون (اعتدالی) در کار نیست، همانگونه که درباره رفسنجانی می‌گویند. اهداف اول من این است نگذاریم آمریکا و رژیم (امام) خمینی علیه ما و شما جوش بخورند.

صابر: می‌خواستم بگویم که یک سری فاکتورها هست که نشان می‌دهد رفسنجانی با آمریکایی‌ها به هم رسیده و توافق کردند بر سر یک هدف و آن سرنگونی ما است و برای اینکه انصاف داشته باشیم اگر این توافق قبل از جریانات ماه مارس بوده است و وضعیت کنونی ما مانند وضعیت گذشته بود و بر این اساس من با تحلیل برادر مسعود موافقم و اینکه کار سازمان این است که به آمریکایی‌ها این تضمین را بدهد. اگر بشود اینگونه بیان کرد که جلب اعتماد آمریکا را به دست آورد تا هدف مورد نظر خودمان تحقق یابد. ولی به نظر من اگر هدف آمریکا عملاً سرنگونی ما (رژیم بعث) باشد، قطعاً جانب رژیم ایران را خواهند گرفت تا سازمان را. تمام فاکتورها نشان می‌دهد که یک توافق آمریکایی عربستانی ایرانی و ترکیه و سوریه و قطعاً انگلیس جهت سرنگونی دولت عراق، صورت گرفته است، بنابراین تا آنجایی که من فکر می‌کنم چیزی که به ما کمک می‌کند... بر اساس این اصل که چنانچه رژیم عراق سرنگون شود، کار سازمان هم تمام است. آن امری است که بر سر آن با هم اختلافی نداریم. پایان سازمان این نیست که عراق را ترک کند و به ترکیه یا اروپا برود. آنها چیزی که می‌خواهند سازمان را از عراق خارج کنند، دیگر چیزی برایش باقی نماند. و برای اینکه مستقیماً به سراغ منظورم و هدفم بروم و با در نظر گرفتن گفته برادر مسعود که باید کاملاً آماده و قوی باشیم بایستی تلاش کنیم که این طرح با شکست روبرو شود و برای این کار باید پل‌ها را برقرار کنیم و شرایط روابط با رژیم ایران و کشورهایی که برادر مسعود بدان اشاره کرد و در رأس آنها آمریکا، آرام کنیم و برقرار باشد. در رابطه با آمریکا، آمریکایی‌ها طبق آنچه من می‌دانم...

البته با توجه به سرنوشت خفت‌بار رژیم عراق در حمله به کویت و اشغال آن کشور، ریبیس وقت سرویس عراق به شدت از روند تحولات منطقه احساس نگرانی می‌کند و هرگونه رابطه بین ایران و عربستان را در راستای سرنگونی رژیم عراق تحلیل می‌کند.

صابر: این مسئله را عربستان به آن فکر نمی‌کند. آمریکا و عربستان با یکدیگر می‌گویند که دولت اسلامی در عراق نباشد، نمی‌خواهند رژیمی روی کار آید که وابسته به رژیم (امام) خمینی باشد. می‌خواهم بگویم که آمریکا و عربستان نمی‌خواهند دولت اسلامی وابسته به رژیم ایران در عراق تشکیل شود و این مسئله‌ای است که روی آن کاملاً توافق کرده‌اند و تمام شده است.

بنابراین چه چیزی باعث شده که آمریکایی‌ها و سعودی‌ها، با ایران به توافق رسیده‌اند که سعودی‌ها مخالف ادامه حضور نظام صدام در عراق باشند. انشاءالله این زمان و این بحران بخیر تمام شود و رژیم در عراق تقویت شود، آن وقت فراموش نخواهد کرد که موضع عربستان چه بوده است.

با توجه به تیرگی روابط عراق و آمریکایی‌ها بعد از جریان اشغال کویت، این بار رجوی است که به عراقی‌ها دل‌داری می‌دهد و از رابطه خوب سازمان با آمریکایی‌ها صحبت می‌کند و اینکه شما مطمئن باشید ما تا آخر خط به عنوان هم‌پیمان استراتژیک شما باقی خواهیم ماند و تلاش می‌کنیم به آمریکایی‌ها بفهمانیم که خطر شماره یک در منطقه بنیادگرایی و خمینیسیم است و با تأسیس حکومت اسلامی در عراق، دودش به چشم آمریکایی‌ها خواهد رفت.

این بخش از اظهارات رجوی بیانگر سیر صعودی ارتباط سازمان با آمریکایی‌ها و محافل داخل آمریکا است. از جمله:

رجوی در دیدار با صابر، رئیس وقت سرویس عراق:

«انتهای خط یا مجاهدین در تهران هستند و به عنوان متحد استراتژیک شما در مقابل همه توطئه‌ها، و یا هم ما و هم شما نخواهیم بود. این واقعاً برایم واضح است در سراسر دنیا هم داریم تلاش می‌کنیم برای اینکه برای همه به خصوص آمریکایی‌ها هم بفهمانیم که خطر شماره یک در منطقه بنیادگرایی و خمینیسیم است و مقداری پیشرفت کردیم. به خصوص توی آمریکا حول و حوش وزارت خارجه آمریکا، خود بوش و حلقات وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا.

حرف ما این بود و هست که تأسیس حکومت اسلامی در عراق دودش به چشم شما خواهد رفت. از ما سؤال کردند خب نظر شما چیست؟ می‌دانید ما با خیلی از اعضای کنگره آمریکا ارتباط داشتیم از قدیم.

با توجه به روند تیرگی در روابط عراق و آمریکا در مذاکرات بعدی تقریباً سازمان به کتمان روابط خود با آمریکایی‌ها می‌پردازد ضمن اینکه بعضاً اخباری به عراقی‌ها می‌دهند که گویا رابطه آنها با آمریکایی‌ها خراب شده است. هر چند عراقی‌ها اعتماد به این اخبار ندارند لیکن امید عراقی‌ها به بهبود روابط با آمریکایی‌ها از بین نرفته است.

رجوی در دیدار با حبوش در سال ۲۰۰۰:

رژیم آخوندها پول زیادی خرج کرد تا نظر وزیر دادگستری آمریکا را به نفع خودشان جذب

کنند. این فرد زمانی که سناتور بود به نفع ما اطلاعاتیه‌ها صادر می‌کرد ولی الآن رژیم توانسته او را جذب کند تا علیه ما در روزنامه‌ها مطلب بنویسد.

از اعترافات بسیار مهم در مذاکره رجوی با ژنرال حبوش در سال ۲۰۰۰ اطلاع آمریکایی‌ها از جریان انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی و ترور شهید رجایی و باهنر توسط سازمان مجاهدین است.

رجوی: همانگونه که اطلاع دارید در سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در پاریس بودم و در این سال‌ها دشمنی به اینگونه با ما نبوده است و به ما تروریست نمی‌گفتند هر چند که کاخ سفید و کاخ الیزه می‌دانستند و با کاخ الیزه ارتباط داشتم و می‌دانستند که چه کسی حزب جمهوری در ایران را منفجر کرد و چه کسی و چرا عملیات علیه رییس جمهوری و علیه نخست‌وزیر انجام داد.

آنها می‌دانستند و صفت تروریست به ما نزدند و خوب می‌دانستند که تا مقطع آتش‌بس، عددی که خاتمی به عنوان وزیر ارشاد اعلام کرد که مجاهدین ۱۱ (هزار) نفر از ما را کشته‌اند.

اما از روزی که عراق آمدیم این یک گزارشی از وزارت خارجه آمریکا به عربی است که در کشورهای عربی پخش کرده است. مثلاً لیست جنایات من و مجاهدین را بیان می‌کند. به عنوان مثال اوت/۱۹۹۴ ملاقات من (مسعود) با عزت ابراهیم و علی حسن مجید وزیر کشور و یوسف حمادی وزیر تبلیغات عراق جلسه و ملاقات داشته‌ام، در پشت پرده و حرف‌ها خیلی مواضع دیگر را می‌زنند و کلمات روشنی که در مجلات خودشان چاپ می‌کنند. مثلاً در این روزنامه واشنگتن تایمز عکس سیدالرئیس با من (رجوی) را چاپ کرده‌اند و نوشته‌اند آنها (سازمان) ورق‌هایی در دست صدام حسین هستند و همچنین مسائلی که بین من و سیدالرئیس گذشته را به آن اشاره می‌کنند.



عزت ابراهیم الدوری و مسعود رجوی